

علل سقوط شهرداری به لیگ دسته دو

سقوط تیم شهرداری به دسته دوم مهمترین و اولین سوژه ورزشی ها در فضای مجازی است و بدون شک رسانه های مکتوب استان نیز در موعد انتشار ، بیشتر به آن پرداخته و کارشناسان و صاحبان قلم و اندیشه در این ارتباط سخن ها گفته و مطالب خواهند نوشت.

اینکه شهرداری چرا در فصل جاری به خوبی عمل نکرد و در نهایت دل تماشاگران و عاشقان فوتبال منطقه شکست نیاز به بررسی کامل دارد و بارها یادآوری کرده ام که به نظر حقیر احساساتی برخورد کردن و یک عامل را گرفتن و بقیه را فراموش کردن کاری اصولی و علمی نمی تواند باشد.

دیده می شود در فضای مجازی بحث در مورد علل سقوط تیم با اظهار نظر افرادی ناشناخته به یک عرصه نبرد غیر تحملی تبدیل می شود که بی ادبی و بی احترامی به کسانی که سال ها در ورزش حضور داشته و یا قلم زده اند نمونه ای از نتایج اینگونه بحث ها به شمار می رود. اعتقاد بر این دارم که برخی ها نفع خود را در آشفتگی و بی نظمی جو موجود بین دوستداران فوتبال و ورزش جستجو می کنند، با چهره ای ناشناخته و با قصد ایجاد دلخوری و کدورت بین توانمندان عرصه ورزش و نویسندگان درآشنا، امتحان پس داده و با پیشینه قابل قبول و قابل احترام وارد بحث شده و با دامن زدن به بحث ها با گل آلود کردن آب در انتظار ماهی گرفتن می مانند و با رد و بدل شدن هر کلمه و حرفی خارج از عرف و اخلاق ورزشی چون ابلیس خنده سر می دهند و با عملی شدن نقشه هایش به آینده امیدوارتر می شوند.

دلسوختگان فوتبال و ورزش در ورود به عرصه های بحث در مواردی که بوی نفاق و تفرقه افکنی از آن به مشام برسد باید خودداری نمایند . برای به کرسی نشانیدن حرف حق و اثبات بعضی از کم کاری ها ، ناملایمات و اقدامات خودسرانه و دخالت در اموری خارج از حیطه و مسئولیت با دلیل و مدرک و مثال های کافی به موقع در رسانه ها سخن می گویند و از حق و حقوق فوتبال اردبیل در مسیری صحیح و اصولی دفاع کنند.

حکایت

گویند روزی میرزا آقاسی صدر اعظم ، دستور داد تا مقنی باشی در باغ او چاهی بکند. مقنی باشی حسب الامر مشغول شد، هرچه حفر کرد آبی بر نخاست، روزها و شب ها کار می کرد و خبری از آب نمی شد. میرزا هر چند روز یکبار برای سرکشی سر چاه می آمد و از مقنی سراغ آب می گرفت و از سرنوشت چاه می پرسید . پاسخ مقنی در طی این مدت نه هنوز بود تا اینکه روزی حوصله وی سرآمد و در جواب میرزا گفت: اگر آقا اجازه دهد این کار را ادامه ندهیم زیرا به نظر می رسد هر چقدر کار کنیم و بر دل زمین پیش برویم با قطره ای آب روبرو نشویم. میرزا آقاسی به او گفت :: بکن و به کارت ادامه بده اگر برای من آب ندارد برای تو نان که دارد.

حال باید گفت اگر این فوتبال برای من و تو آب ندارد برای دیگران و چسبیده های آن نان و مقام و موفقیت و اسم و رسم دارد. نباید در سایه احساسات و با عجله تصمیم گرفتن ، فضا را برای کسانی که در چنین رویایی به سر می برند آماده بکنیم. اینکه تیم سقوط کرده و با عجله کاسه کوزه ها را بر سر یک یا دو عامل بشکنیم آیا سقفی شکافته و می در ساغر ریخته می شود؟

بدون شک در زمین گیر شدن تیم شهرداری عوامل مختلف مقصرند و نقش ایفاء کرده اند. باید باور کنیم که در فرصت اندک باقیمانده تا شروع فصل یک کار علمی می طلبد تا بررسی شود که چگونه تیم به دسته یک صعود کرد ؟ به چه دلیل مدیر موفق چون حجت الاسلام میر عباس زاده جابجا شد؟ هادی صباغی که در فراهم کردن زمینه صعود نقش غیر قابل انکاری داشت چرا از مجموعه باشگاه کنار گذاشته شد؟

مربی موفق چون محمد ربیعی چگونه و با چه پیش زمینه ای عذرش خواسته شد و مهدی دینورزاده با رایزنی چه افرادی دوباره به اردبیل باز گشت؟ چه عواملی فضا را برای دینورزاده تنگ کردند و زیر پایش را خالی نمودند؟ ربیعی چرا و چگونه برگشت و در دومین فصل از حضور تیم در لیگ یک به مرور با ایجاد فضای مناسب برکناری وی را کلید زدند و در نهایت چگونه احمدزاده و شیخ لاری آمدند و چرا با پشت کردن به تعهدات خود عطای ماندن در تیم را به لقایش بخشیدند؟

ناگفته پیداست اگر چنین کاری اصولی و علمی پیش برود با به دست آمدن نتایج در خور توجه می توان مقصر یا مقصران عزادار شدن هواداران و تماشاگران اردبیلی را به جامعه معرفی کرد و نقاب از چهره منافقان و منفعت طلبان و قدرت پرستان و نان به نرخ روز خور

ها و دلباختگان پست و مقام کنار زد و واقعیت های حاکم بر تیم
شهرداری را بر ملا نمود.

نمی دانم اگر پیری و سواد اندکم این اجازه را بر من دهد شاید
برای رسیدن به نتیجه ای این کار را پیگیری کنم تا بتوانیم راهی
مناسب را برای مسئولان تیم در جهت سامان دادن به وضعیت باشگاه
نشان بدهیم.